هفته نامه اول کودکان شماره ۱۴ ۱۶ شهریور ۱۳۸۳ (۶ سپتامبر ۲۰۰۴) www.childrenfirstinternational.org

مردم جهان در ماتم کودکان بسلان

امیر توکلی

تقریبا همگی قتل عام شدند. فاجعه ای که همه دنیا نگران بروزش بود، متاسفانه اتفاق افتاد. دانش آموزانی که همراه والدین و معلمین شان سال تازه تحصلی را میخواستند جشن بگیرند توسط جنایتکاران اسلامی در فجیع ترین شرایط سلاخی شدند. آن تعدادی که خوشبختانه با جراحات فراوان زنده مانده اند در وضعیت روحی بسیار خطیری قرار دارند. باور کردنی نیست اما لحظه به لحظه این ماجرای غیر انسانی را مردم دنیا از طریق تلویزیون و رادیو دنبال کردند. هنوز آمار دقیقی از تعداد کشته شدگان منتشر نشده است. اما در تصاویری که از مدرسه منفجر شده و تعداد بسیار اندک گروگانهای زنده در تلویزیون مشاهده میکنیم از عمق این کشتار حکایت می کند. این یک حرکت ضدبشری و جنایتکارانه در مکانی است که درنده خویی ،وحشیگری و جنایت پیشگی عاملین آن را نشان میدهد. باید این دستجات آدم کش و تروریست از طرف همه جهانیان شدیدا محکوم شوند. باید جواب قاطعی از طرف مردم انساندوست جهان دریافت کنند. پایان بخشیدن به تروریسم وظیفه همه ماست. دولتهای موجود با مماشات با جریانات اسلامی عملا به این

صفحه ۲

گروگان گیری کودکان

وحوش با جانداری چنین نمی کنند!

از طرف اول کودکان
ثریا شهابی
۲ سپتامبر ۲۰۰۴

روز اول مدرسه، روز بازگشایی مدارس در روسیه، یک گروه تروریستی ۱۷ نفره، زن و مرد مسلح به اسلحه و کمربند های حاوی مواد منفجره، به مدرسه ای در اوستیای شمالی در روسیه هجوم میبرد. پس از زدوخورد های مسلحانه در اطراف مدرسه و کشته شدن سیزده نفر، این مدرسه به تصرف گروگانگیر ها در میآید. چهارصد دانش آموز، اولیای آنها و پرسنل آموزشی، به گروگان گرفته میشوند. گروگانگیر ها اعلام میکند که چنانچه دولت به خواستهایشان پاسخ مثبت ندهد، و یا چنانچه به آنها حمله شود، همه آنها را خواهند کشت. مطالبه گروگان گیران، خروج نیروهای روسیه از چچن و آزادی زندانیان چچنی است. و گفته میشود که این هم کار تروریست های اسلامی است. تا زمان نوشتن این اطلاعیه گروگانگیران حاضر به هیچگونه مذاکره ای حتی بر سر رساندن غذا و دارو به کودکان گرفتار در چنگالشان، نشده اند. مهم نیست خواست

صفحه ۲

رفتار با کودکان

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

اول کودکان: بنظر شما، مشکلات اجتماعی ـ اقتصادی مانند گرانی، فقر و بیکاری، اختلافات خانوادگی و مشکلات طلاق و جدایی، چه تاثیری بر رفتار پدر و مادر می گذارد؟ چه باید کرد که تاثیرات منفی این مشکلات بر زندگی و رشد سالم کودکان کاهش یابد؟

بخش چهارم

در بخش سوم جواب به چگونگی دست یافتن به آگاهی و دانش رفتار درست با کودکان بر اساس بازبینی تجربه کودکی خودمان پرداختم و قول دادم که این موضوع را با مثالهای بیشتری باز کنم و راه حلهای عملی دستیابی به این دانش و در پیامد آن رفتار درست با کودکانمان را نشان دهم. در این بخش از جواب سعی می کنم که بیشتر موضوع بازبینی تجربه کودکی را با ذکر مثالهای ساده ای را باز کنم و جواب بخشی از سؤالهایی که در بخش دوم و سوم جواب مطرح شد، را با هم پیدا کنیم.

گفتم که قبل از اینکه رفتار بدی با کودکمان بکنیم، وی را تحقیر یا تنبیه بدنی کنیم، بهتر است که خاطرات کودکی خود را بازبینی کنیم و به یاد بیاوریم که خود ما در دوران کودکی در چنین شرایط و محیطی چه احساسی داشتیم و سعی کنیم به این سؤال مهم پاسخ دهیم. کودک من چرا باید همان شرایط فشار روحی، روانی و جسمی را تحمل کند؟ آیا راه دیگری نیست؟ آلترناتیو دیگری نیست؟ حتما اکثریت شما پدران که مخاطب ما هستید، ختنه شده اید. ختنه مراسم سنتی است که در جوامع عقب افتاده و بخشأ اسلامزده انجام می شود. در یکی از شماره های اول کودکان یکی از دوستان ما خاطرات دهشتناک خود را از مراسم ختنه خودش برای ما بازگو کرد. شما که پدر هستید و قصد ختنه کردن فرزند خود را دارید، آیا این خاطره وحشتناک خود را یکبار مرور کرده اید. چند شب پیش دوست قدیمی خانه بود و بحث همین ختنه شد و وی تعریف کرد که پسرش را وقتی پنج ساله بود در سوئد نزد یک دکتر ایرانی ختنه کرده است. وی تعریف کرد که طاقت نگاه کردن به مراسم ختنه توسط دکتر را نداشته و به بیرون از اطاق رفته است. شب در خانه پسرش از وی می پرسد که چرا از اطاق بیرون رفتی و وی توضیح می دهد که طاقت دیدن این صحنه کریه را نداشت. پسرش می پرسد که تو هم ختنه شدی پدر؟ و وی جواب مثبت می دهد و پسرش می گوید، حالا مادرم اصرار داشت. تو که خودت

صفحه ۲

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

ادامه

رفتار با کودکان

این زجر را کشیده بودی و می دانستی خیلی درد دارد، تو دیگه چرا با دست خودت من را نزد اون غول بیابونی بردی؟ و دوست ما، سکوت کرده بود. چرا که جوابی نداشت. خودش می گفت اگر فقط کمی بیشتر به موضوع فکر می کردم و خاطرات خودم را از این مراسم ضد کودک ارزیابی می کردم، هیچوقت چنین کاری نمی کردم. این مثال بسیار ساده است که چگونه می توانیم خاطرات کودکی خود را به خاطر آوریم، بررسی کنیم و از آن درسی تازه برای رفتار درست با کودکانمان بگیریم. کودکان ما شدیاً به ما وابسته هستند. خنده و گریه ما بر آنان تأثیر مستقیم دارد. واضح است که کارگری که روزی ۸ تا ۱۲ ساعت کار می کند، حقوق کافی نمی گیرد و مدام به کرایه خانه و مخارج سرسام آور زندگی فکر می کند، خیلی ساده و با کوچکترین ناملایمتی از طرف همسر و فرزندانش از کوره در می رود. عصبانی می شود و داد و فریاد می کند. این امر اگر به عادات روزانه این کارگر تبدیل شود کودکانش را دچار کابوسی وحشتناکی می کند که کودکانش ناامنی کوچه و جامعه را به جان می خرند و از خانه فرار می کنند. لازم نیست این کارگر کودکانش را تنبه بدنی بکند. همین داد و فریاد روزانه کافی است که خانه امن کودکان به جهنمی در ذهن آنها، تبدیل شود که شخصیتشان کاملاً در معرض نابودی قرار خواهد داد. خنده و آرامش ما، به کودکانمان شادی و آرامش می دهد و در مقابل عصبیت و ناراحتی ما آنان را عصبی و بدخلق خواهد کرد. توجه به این امر برای همه ما پدران و مادرانی که به فرزندانمان عشق می ورزیم و به خوشبختی آنان می اندیشیم، حیاتی است.

آلترناتیوی دیگری نیز هست. راه و روش دیگری برای برخورد با کودکان وجود دارد. کافی است که دچار روزمره گی نشویم. کافی است سعی کنیم که سرنوشت و زندگی و خوشبختی خودمان را در دست خودمان بگیریم. به رفتارمان با کودکمان فکر کنیم. با همسرمان و یا همسایه و دیگر دوستانمان در مورد، چگونگی رفتار درست با کودکان بحث کنیم. نظر خواهی کنیم. مشورت بگیریم و هر چه بیشتر رفتارمان را مورد بررسی و انتقاد قرار دهیم. تنها راه حل همین است. و این راه صبر و حوصله می طلبد. تعمق و همزمان مسؤلیت می طلبد. حتماً شما خوانندگان عزیز سؤالات زیادی در این رابطه به ذهنتان می رسد. شما می توانید این سؤالات را با ما مطرح کنید. و ما هم سعی می کنیم، موضوعاتی را مطرح کنیم که بتواند به شما در پیدا کردن جواب سؤالهایتان یاری رساند.

ادامه

گروگان گیری کودکان

گروگانگیران چی است! و مهم نیست رنگ و جنسیت و نژاد و مذهب و ملیت شان کدام است. کشاندن میدان ترور و گروگانگیری، ترس و وحشت و کشت و کشتار تروریستی به میان صدها کودک بیگناه، صدها دانش آموزی که روز اول مدرسه شان به روز اسارت و خوف از مرگ به خاطر چیزی که روحشان از آن بی خبر است، تبدیل شد، کاری بیش از توحش است! این بیش از بربریت است! این بیش از خشونت و بی رحمی است! این لگدمال شدن انسانیت است توسط جانورانی که برای مقاصد سیاسی و اقتصادی خود، به کثیف ترین اشکال ارعاب و ترس و مرگ، کودکان دست میبرند.

گروگانگیری از کودکان، درحالی است که هروز خبری از انفجار و بمب گذاری و عملیات انتحاری، خبری از قصابی شدن دهها ودهها تن از مردم بیگناه، زن و مرد، پیر و جوان و کودک، در نقطه ای در جهان، پخش میشود، جهانی را به وحشت انداخت!

جنگی در صحنه بین المللی در جریان است. یک طرف جنگ، دولتهای تروریست و دستجات تروریستی است و طرف دیگر آن مردم بیگناه! در این جنگ تروریستها همه چیز مجاز است! قریب چهارصد کودک گروگان تروریست های اسلامی و به رگبار بسته شدن کودک فلسطینی در پناه پدرش توسط ارتش اسرائیل در سه سال پیش، گوشه هایی از این جنگ کثیف تروریستها است که بشریت را هدف نابودی خود قرار داده است.

اهداف این جنگجویان، نه تسخیر این تپه و آن بلندی، نه این پایگاه نظامی و آن تاسیسات جنگی، که خانه و مدرسه، کوچه و خیابان و رستوران و اتوبوس مردم بیگناه است. مردمی که در هیچ جنگی شرکت نکرده اند. مردمی که صبح بی خبر از نقشه این گروه تروریست و آن سازمان مخوف آدم کش، کودکانشان را با هزار امید و آرزو صبح به مدرسه میفرسند. و ناگهان آنها را در هئیت اسرای جنگی در چنگال فاشیست هایی میبینند که برای جان اسرایشان کمترین ارزشی قائل نیستند. کودکان بی پناهشان را در چنگال جانورانی میبینند که برایشان جان انسان از حیات حشره کم ارزش تر است.

و جهان در بهت ابعاد تروریسم و گروگانگیری از مردم بیگناه، نگران سرنوشت جهان، خبر «جنگ» دستجات آدم کش با صدها کودک بی پناه در اوستیای شمالی را دنبال میکند!

مهم نیست خواست این هیولاها، جانوران از مغز و احساس تهی شده چی است! مهم نیست جنس و نژاد و ملیت شان چی است! جهانی که حاکمانش بوش و بلر و شارون باشند و سروران مادون ترشان، حماس و طالبان و خمینی و خامنه ای، بنیادی بهتر از این نخواهد داشت. معماران اصلی نظام، از آمریکا و انگلیس و ایران تا روسیه و اسرائیل و حماس و جهاد، این حکم را که همه چیز، جان، غذا، دارو و زندگی مردم گروگان اهداف سیاسی و اقتصادی است را از مدتها پیش صادر کرده اند!

این ابتکار جدید، گروگانگیری یک مدرسه کامل با داشن آموزانش، ابتکاری که خشم و نفرت جهانی را برانگیخته است، باید با پاسخ قاطع همه در سراسر جهان در چشمه بخوشکد. گسترش میدان ترور و گروگانگیری به میان بی پناه ترین بخش جامعه، یعنی کودکان، باید با پاسخ قاطع همه مردم جهان مواجه شود! این کمترین راه دفاع از انسانیت در مقابل باطلاق و لجن زار متعفنی است که سرمایه داری در سراسر جهان برای کودکان ساخته است. باید در مقابل این روند رو به رشد گروگانگیری و تروریسم عنان گسیخه ایستاد!

جهان و کودکان شایسته یک زندگی امن، انسانی و سالم اند. به خاطر کودکان هم که شده است، باید این نظام ضد بشری زیرورو شود.

ادامه مردم جهان در ماتم کودکان بسلان

جانوران پر و بال داده اند، تحت فشار گذارندن این دولتها امری ضروری است.

ما در غم از دست دادن صدها دانش آموز، پدر و مادران و پرسنل مدرسه شریک هستیم و به بازماندگان این عزیزان از صمیم قلب تسلیت میگوئیم. یاد همه آنها در قلب ما و در عزم ما برای ایجاد زندگی امن و شاد برای همه کودکان باقی است.

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

اول کودکان
دوشنبه ها منتشر میشود

سردبیر هفته نامه «اول کودکان»
امیر توکلی
tel:
00 358 405 821 776
e.mail:
tavakoli@hotmail.com

مسئول مرکز پخش:
شهلا خبازاده
aval_kodakan1@yahoo.de
Shahlaxabazzade@aol.com

رئیس کمپین بین المللی دفاع از حقوق کودکان «اول کودکان»
ثریا شهابی
tel:
00 44 7 981 343 101
e.mail
soraya_shahabi@yahoo.com

Main Office:
Chair Person,
Soraya Shahabi
CF, BM Box 1919
London WC1N3XX
England
Tel: 44-798 134 3101
Fax: 1-413-639-1602

تلویزیون اول کودکان در کانال جدید
Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: Horizontal

آدرس اول کودکان در سوئد
www.barnenforst.com
barnenforst@hotmail.com

ادامه

ممنوعیت سمبلهای مذهبی در مدارس

ختنه و ممنوعیت جداسازی کودکان در کلاسهای آموزشی با توجیه مسلمان بودن از جمله مبارزات همیشگی ماست که در سوئد بویژه با آن ما و جنبش ما بسیار شناخته شده است.

بحث سنبلهای مذهبی بطور کنکرت تر آن در سطح اروپا از زمانی حاد شد که در فرانسه در حال اجرا است. ممنوعیت سنبلهای مذهبی در مدارس دولتی بعد از یک دوره طولانی جدل و کشمکش احزاب فرانسوی و جریانات متعدد در جامعه بالاخره به قانونی تبدیل شد که در تاریخ ۲ سپتامبر برابر با اولین روز بازگشایی مدارس در فرانسه قابل اجرا گردید.

در مقابل این حرکت سکولار اما جریانات اسلامی و متحدین نوع اروپایی شان از جنس هواداران نسبیت فرهنگی و «چپ ضد امپریالیستی و شیطان بزرگ» و تا بخشی از یک اقلیتی که از اروپا و پروسه اینتگره شده در میان مردم اروپایی سرخورده و رانده شده و به گتوهای خارجی نشین کشانده شده اند در این مدت با این حرکت مخالفت ورزیدند. این تازه پخش ماسک زده نوع اروپایی آن بود. در خاورمیانه اما با تهدید ترور و کشتن و سر بریدن دو خبرنگار فرانسوی که در عراق کار میکردند از طرف یک جریان اسلامی چهره واقعی و همیشگی شان را رو کردند. هنوز از سرنوشت این دو ژورنالیست خبری نیست و بسیار جای نگرانی ست.

در این برنامه تلویزیونی بعد از تصویری از اولین روز بازگشایی مدارس در فرانسه و بی خبری از وضعیت ژورنالیستها و تهدید جریانات اسلامی به کشتن آنها نظرم را در رابطه با تغییر این قانون پرسیدند. جواب من این بود که این حرکت درستی بود اما کافی نیست. یک حرکت سکولار باید شامل همه گردد. چرا فقط مدارس دولتی و چرا مدارس خصوصی نه! جایی که جریانات اسلامی در مدارس اسلامی دستشان برای هر گونه تجاوز به حقوق کودک باز گذاشته شده و از جمله حجاب و مراسم مذهبی و جداسازی کودکان پسر و دختر. این قانون از نظر ما باید شامل کلیه مدارس و مرکزهای آموزشی در کشور گردد اعم از خصوصی و دولتی. سوال بعد این بود که حجاب برای من چیست. جواب من این بود که حجاب یک حکم مذهبیست، سنبلیست که با آن زن از مرد در همه عرصه ها جدا میگردد. هرگونه آزادی و انتخاب از زن سلب میگردد. به کودکان یاد داده میشود از خود و جنس خود شرم کنند و آن را بپوشانند. حجاب اسلحه اسلام سیاسی است بر سر نیمی از جامعه. همینجا بگویم که قبل از گفتگو با من خانمی هم مورد مصاحبه قرار گرفت که مخالف ممنوعیت سنبلهای مذهبی بود و حجاب را یک پوشش میدانست. جالب است که در مقابل این افراد وقتی این سوال را قرار میدهیم که اگر پوشش است، خوب هر وقت قاعدتا هوا گرم شد باید پوشش گرم را کند و کمی به موها استراحت داد. آیا میتوان با حجاب این کار را کرد، نه و آنها خلع سلاح میگردند. آنها میدانند که حجاب باید در هر شرایطی روی سر بماند حتی اگر به سطح بی هوشی برسید. ما این بحث را در سمینار روز بعد پنج شنبه که حتما گزارشش به دست نشریه شما هم خواهد رسید بیشتر باز کردیم.

سوال دیگری که پیش آمد در رابطه با خود اسلام سیاسی بود که فرق این مذهب با مسیحیت چیست؟ چرا ما امروز اسلام سیاسی را زیر تیغ میگیریم؟ این سوالیست که هواداران نسبیت فرهنگی حتی در اوج عقب نشینی در مقابل مباحث اثباتی ما مطرح میکنند که چرا اسلام سیاسی؟ توضیح من برای این مسئله این بود که یک بار در یک دوران تاریخی در دوره رنسانس مسیحیت به زیر کشیده شد و تا کلیسا رانده شد. از آن زمان به یمن مبارزات سکولاریستی که قدمت آن به بیش از ۱۵۰ سال میرسد و شروع آن هم از فرانسه بود دستاوردهای بسیاری به دست آمده است. جدایی دین از دولت، از آموزش و پرورش رکن مهمی در این مبارزات چندین ساله تاریخ بشری در اروپاست.

این اتفاق تاریخی با اسلام سیاسی نیفتاده است. امروز عروج جریانات اسلامی و اسلام سیاسی در قدرت مشکل جدی برای بشریت و بویژه برای مردم در خاورمیانه شده است. نگاه کنید چه جهنمهایی در ایران، عراق، افغانستان و پاکستان به مردم تحمیل کرده اند. خودتان که شاهدید که هر روز با زنان چکار میکنند. اسید پاشیدن بر زنان، ترور و قتل ناموسی زنان، حجاب اجباری زنان، حتی چندی پیش سربریدن دو زن در هندوستان از طرف یک سکت اسلامی که زنان حجاب به سر نداشتند و دهها و هزاران جنایات علیه مردم از جمله جنایت اسلامی سیاسی ست که میخواهد قدرت بگیرد و حالا هم در اروپا مشکل جدی شده است. اگر میخواهیم از سکولاریسم دفاع کنیم و دستاوردهای آن را نگه داریم و بسط دهیم باید جلو تعرضات اسلام سیاسی را بگیریم. سکولاریسم یکی از ابزارهای ما در مقابل تعرضات مذهب و بویژه اسلام سیاسی است. تلاش برای بیرون راندن دست مذهب و هر گونه فرهنگ زن ستیزانه از دولت، از مدارس و از محیطهای کار امر ماست. به سرانجام رساندن این پروژه کار آسانی نیست و بخشی از رسالت مارکسیستهای این دوره است که در کنار هزاران انسان برابری طلب و معترض به وضع موجود باید پیش ببریم.

ادامه

وضعیت کودکان پناهجو

داشتم از شدت و حرص می ترکیدم. مادر بچه گفت خانم نماینده من منظورم این نبود قانون را برخم بکشید من منظورم این است مثل یک مادر چه احساسی داری اگر این اتفاق برای شما بیفتد؟ من اینجا کار میکنم، مالیات میدم نگاه کنید (برگ اجازه کارش را از اداره کار محل زندگیش نشان داد) آیا حق دارم از مالیاتی که میپردازم استفاده کنم؟ مثل همه شهروندان این جامعه یا نه؟ نماینده پارلمان بیدار شد و پرسید شما کار میکنید پس مثل کارگر مهاجر حق دارید از امکانات بهداشتی استفاده کنید. اما مثل اینکه نماینده پارلمان حالی نبود که در کشور مطبوعش چه قوانین ظالمانه ای برای پناهجویان وجود دارد. در یک جدل و بحث دیگر که یک دختر جوان با یکی او نمایندگان پارلمان داشت وضعیت زندگی جوانی خود را اینچنین تعریف میکرد. من ۱۶ ساله هستم و یک سال قبل از یکی از کشورهای آفریقایی به اینجا آمده ام. در کشور من دختر ها را میفروشند و نامش را ازدواج میگذارند. من طبق قانون و عرف کشورم باید همین حالا حداقل دوتا بچه میداشتم زیرا سن ازدواج برای دختران چیزی بین ۹ تا ۱۳ است. آیا شما دخترت را در ۱۳ سالگی شوهر میدهید؟ آیا پولی از قبل ازدواج دخترت بدستت میرسد؟ نماینده پارلمان جواب داد این خلاف قوانین و حقوق انسانی است. حتی خلاف کنوانسیون حقوق کودکان میباشد. دختر جوان جواب داد مرسی خانم ولی میدانی که این قوانین رسمی کشور من است که کنوانسیون حقوق کودکان را هم برسمیت شناخته ولی من جوان از این توحش گریخته ام. خانم نماینده حاضرید در پارلمان این وضعیت من را منعکس کنید و ماجرای آمدن و دلیل آمدن من به سوئد را برایشان تعریف کنید. بگویید که جوانان مهاجر از توحش و قوانین غیر انسانی کشورهایشان گریخته اند؟ لطف کنید این دوستی را در حق من انجام دهید. کشور من با سوئد روابط خوبی دارد و من خود بکمک یکی او مسیونرهای سوئدی توانستم اینجا بیایم. حال اداره امور مهاجرین میخواهد مرا به آنجا برگرداند.

ادامه دارد

”اول کودکان“ برگزار میکند
سومین کنفرانس اول کودکان
کودکان اول چرا و چگونه؟
کنفرانسی در مورد
جهانشمول بودن حقوق کودک
۲۰ و ۲۱ نوامبر، استکهلم

اطلاعات بیشتر در مورد سومین کنفرانس اول کودکان
در اطلاعیه های بعدی به اطلاع میرسد.
لطفا برای کسب اطلاعات و ثبت نام برای
شرکت در این کنفرانس با آدرسهای زیر تماس بگیرید
۴۴-۷۹۸ ۱۳۴ ۳۱۰۱
۴۶-۰۸-۵۳۱۸۴۲۳۹
۴۶-۷۶ ۲۳۴ ۴۲ ۸۲

parvaneh.ahmadi@comhem.se
karimshamohammadi@yahoo.se
avalkodakan@yahoo.co.uk
www.childrenfirstinternational.org

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

www.childrenfirstinternational.org Nr: 14 06.09.2004 Weekly of the Children First

وضعیت کودکان پناهجو

یک بررسی کوتاه

اسماعیل مولودی

قسمت هفتم

در یک نگاه میتوان دید که کودکان پناهجو چه وضعیتی دارند این مسئله احتیاج به خیلی تفحص و کنکاش ندارد. زیرا مسئله آنچنان روشن و همه گیر است که خود سردمدارن دولتی سازمانها و میدیا به آن اذعان میکنند. ما در فدراسیون پناهندگان ایرانی بطور روزمره این واقعیتها را می بینیم، لمس میکنیم و تمام واحدهای فدراسیون در سراسر دنیا با آن در گیر هستند. یعنی در یک کلام مسئله کودکان پناهجو را باید جزو افتضاحات سیاسی و توحش سیاسی نظم نوین خواند. به اعتراضات چند سال اخیر در دنیا نگاه کنید. متوجه میشوید بر صفحه تلویزیونهای دنیا و در هر جا که انسانها برای یک آرامش نسبی مجبور میشوند زندگی گذشته و حال خود را ترک کنند. در جاهایی که انسانها از فشار و تحقیر فرار میکنند میبینیم که کودکان بزرگترین گروه در این جمع هستند.

در نظر بگیر در شرایطی زندگی کنید که حتی نزدیکترین کسانت یعنی والدین و سرپرستهای کودکان حتی باعث فشار روحی و جسمی بر کودکان خود میشوند. این مسئله شاید تاکنون کسی را متوجه خود نکرده باشد. به مصاحبه خود با یکی از کودکان پناهجو اشاره میکنم. او ۱۴ سال دارد، کمی عصبی و تند مزاج است. سه سال است در انتظار اقامت بسر میبرد و همراه مادرش کار سیاه میکند. در یکی از شهر های کوچک در انگلیس زندگی میکنند. وقتی ازش پرسیدم حالت چطور است جواب داد مگر ما حالی داریم، آقای مولودی تو دیگه چرا سوال میکنی. پرسیدم چرا گونه ات کبود شده، گفت ازم نیشگون گرفتند زیرا دیر به محل کارم رسیدم بدون اینکه ازم بپرسند چرا دیر آمدم صاحب کارم کم مونده بود گونه ام را بکند. بخانه برگشتم وقتی توضیح دادم مادرم سه روز مریض شد. فکر میکنی من باید حالم را برای تو توضیح دهیم. بعد از کمی مکث گفت ببخشید ترا هم ناراحت کردم.

این واقعه ها روزانه بکرات و هزاران باره اتفاق میافتد و آنقدر این مشکلات و نابرابری ها تکرار شده و میشود انگار که امری عادیست و آدمها حساسیت خود را هم از دست داده اند. یعنی به یمن سیاست راست در دنیا اینها به بخشی از زندگی روزمره انسانها تبدیل شده است. حتی خود پناهجویان هم گاها تلاش میکنند آنرا از هم پنهان کنند.

چندی پیش در بحث با یکی از خوانندگانی که مطالب قبلی را دنبال کرده و خوانده وارد بحثی شدم که دوست دارم آنرا اینجا بیاورم. ایشان اشاره کرد و گفت که، یکی از محققین روانشناس میگوید «فراموش کردن وضعیت موجود و فاصله گرفتن از آنچه که بر سر آنان میآید بعضا میتواند موقتا مشکل را سبک تر کند که شخص بتواند به زندگیش ادامه دهد و این نوعی حفاظت از روحیه و نگهداشتن سلامتی روحی است» جواب من این بود، این در کوتاه مدت درست است، مثلا کسی که عزیزی را از دست میدهد، بهر حال باید به زندگی ادامه دهد و باید واقعیات را بپذیرد. اما در مورد پناهجویان این صدق نمیکند زیرا این مسئله امروز و فردا نیست. این یک نوع زندگی مشقت بار است که بهشان تحمیل شده و نباید بهش تن داد. یعنی مسئله این است که قرار نیست آدمها بهر چیزی تن بدهند. قرار نیست سطح توقع و انتظارات انسانها را از زندگی تنزل داد. قرار نیست هر اتفاقی که در زندگی میافتد آنرا قبول کرد. در ماه مارس فدراسیون پناهندگان ایرانی آکسیونی سراسری در سوئد راه انداخت و یکی از برنامه های ما ترتیب دادن بحث بین مردم و نمایندگان پارلمان بود. این مناظره و گفتگو در میدان مینت توریت استکهلم اتفاق افتاد. که اینجا به دو نمونه آن اشاره میکنم.

خانواده عبارتند از دو کودک و والدین که بچه ها ۱۴ ساله و ۱۰ ساله هستند و والدین بین ۳۵ و ۴۰ سال سن دارند. سپتامبر سال ۲۰۰۰ به سوئد آمده اند. مادر با دلی پراز کینه به یکی از نمایندگان پارلمان سوئد گفت شما بچه دارید؟ جواب داد آری

گفت در نظر بگیر بچه ات چهل درجه تب دارد، مریض حال و سه روز است جز آب چیزی نخورده. تلاش میکنید با هر بدبختی بچه ات را به نزدیک ترین درمانگاه میرسانید. بعد از ساعتها انتظار پرستار میگوید دکتر نمیتواند شما را ببیند زیرا شما اقامت ندارید و باید به درمانگاهی که پناهجویان را میپذیرد مراجعه کنید. چکار میکنید؟ نماینده پارلمان گفت نمیدانم چرا این اتفاق افتاده ولی بالاخره هر چیزی قانونی دارد. من که مترجم این مباحثه بودم،

صفحه ۳

ممنوعیت سمبلهای مذهبی در مدارس

مصاحبه با
هلاله طاهری از فعالین حقوق کودک در سوئد

اول کودکان: شما یکی از فعالین اول کودکان در کشور سوئد هستید. در مصاحبه ای که شما با تلویزیون ۲۴ ساعته سوئد داشتید در مورد ممنوعیت سمبلهای مذهبی در مدارس سوئد صحبت کردید، لطفا خلاصه ای از مصاحبه تان را برایمان بازگو کنید و توضیح دهید که چرا این مساله برای شما مهم است.

هلاله طاهری: این موضوع در سوئد تازگی ندارد. بحث آشنای است که به کمک مبارزات ما و طیف وسیعی از انسانهای برابری طلب در سوئد در مناسبتهای زیادی روی میز دولتمردان و مقامات سوئدی قرار داده شده است. همچنین ما جامعه را هم از خیلی جهات با خود هم نظر و متحد کرده ایم. این بحث ادامه سلسله مبارزاتیست که در دفاع از حقوق شهروندان خارج از هر رنگ و پوست در دفاع از حقوق کودکان و زنان با پیشینه خارجی و بویژه در گتوهای اسلام زده در همین قلب اروپا میباشد. ممنوعیت حجاب کودکان، ممنوعیت مدارس مذهبی، ممنوعیت

صفحه ۳

ممنوعیت خشونت جسمی و روانی کودکان